

تأملی آسیب‌شناسانه در روش‌های تحقیق

مبتنی بر مبانی دینی ناظر به دو مقاله

غلامرضا ذکیانی^۱

بیان مساله

رویکردهای افراد در نسبت میان دین (انقلاب اسلامی) و مدرنیته را می‌توان بر روی یک طیف جای داد. در دو سوی طیف افرادی قرار دارند که مبانی دین و مدرنیته را متعارض دانسته و لذا آنها را آشتی‌ناپذیر و لازم‌الاجتناب معرفی می‌کنند؛ در یکسو حامیان مدرنیته هستند که هیچ جایگاهی برای مقولات غیبی، دینی و ماورائی در زندگی بشر قائل نیستند و نجات همه انسان‌ها را در گرو دل سپردن به مدرنیته می‌دانند (گروه الف) و در سوی دیگر حامیان دین قرار دارند که اساساً مدرنیته را محصول عمدی دین‌گریزی بلکه دین‌ستیزی می‌دانند از این‌رو امکان هر نوع وفاقی بین آنها را منتفی دانسته و ضمن تأکید بر خلوص دینی، به همگان در مورد خطر غرب هشدار می‌دهند. (گروه د) گفتنی است که هر دو گروه برای مدعیان دلایلی ذکر می‌کنند. افراد میانه طیف را نیز می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد افراد نزدیک به گروه «الف» که مدرنیته را اصل می‌دانند ولی منکر امور غیبی نیستند یعنی به تعارض ذاتی آنها حکم نمی‌کنند. لذا ضمن وفاداری به مبانی مدرنیته دست به اصلاحات حداکثری در مبانی دینی می‌زنند تا دین را با مدرنیته سازگار کنند (گروه ب)، و در مقابل، افراد نزدیک به گروه «د» قرار دارند که دین را اصل می‌دانند، ولی نمی‌توانند پدیده‌های عینی عالم - از جمله مدرنیته - را نادیده بگیرند، یعنی اگر هم بخش‌هایی از مدرنیته را محصول عمدی دین‌گریزی یا دین‌ستیزی بدانند همه آن را اینگونه نمی‌بینند. از این‌رو ضمن وفاداری به مبانی دینی، شناخت پدیده‌های عالم - از جمله مدرنیته - را ضروری می‌دانند تا بتوانند برخورد معقولی با آن به عمل آورند (گروه ج).



این مقاله به دلایلی که در ادامه اشاره خواهد شد، رویکرد گروه «ج» را مطلوب و قابل دفاع می‌داند و به همان دلایل، رویکرد گروه «د» را قابل دفاع نمی‌داند. نگارنده، دو مقاله «الگوی تباین» و «مبانی اسلامی روش تحقیق» را از مصادیق رویکرد «د» می‌داند با این توضیح که دکتر صادق‌زاده در مقاله «الگوی تباین» از بعد سلبی وارد شده و به نقد مبانی مدرنیته پرداخته است، ولی دکتر علم‌الهدی در مقاله «مبانی اسلامی روش تحقیق» از بعد ایجابی وارد شده و با استفاده از برخی اصول دینی و پاره‌ای قواعد فلسفی، به سمت اسلامی‌سازی روش تحقیق گام برداشته است.

سؤالات پژوهش

- دلایل ترجیح رویکرد «ج» (کسانی که دین را اصل می‌دانند، ولی نمی‌توانند پدیده‌های عینی عالم - از جمله مدرنیته - را نادیده بگیرند) بر رویکرد «د» (آن دسته از حامیان دین که اساساً مدرنیته را محصول عمدی دین‌گریزی بلکه دین‌ستیزی می‌دانند. از این‌رو امکان هر نوع وفاقی بین آنها را منتفی دانسته و ضمن تأکید بر خلوص دینی، به همگان در مورد خطر غرب‌هشدار می‌دهند) چیست؟

- به چه دلایلی می‌توان دو مقاله «الگوی تباین» و «مبانی اسلامی روش تحقیق» را از مصادیق رویکرد «د» بشمار آورد؟

- از نظر روش‌شناسی چه رخنه‌ها و کاستی‌هایی در دو مقاله «الگوی تباین» و «مبانی اسلامی روش تحقیق» وجود دارد؟

چارچوب نظری

این مقاله به دلایل زیر، رویکرد گروه «ج» را مطلوب و قابل دفاع می‌داند:
 یک؛ لازمه خاتمیت یک دین (اسلام) این است که با افراد، جوامع، فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف در طول زمان و عرض جغرافیا مواجه گردد و روشن است که این مواجهه نمی‌تواند صرفاً سلبی و انکاری باشد والا باید از ادعای جهانی و همگانی بودن چشم‌پوشد. پیامبر اکرم (ص) نیز در مواجهه با جامعه عصر بعثت، همه سنت‌های موجود را انکار نکرد بلکه ضمن شناخت عمیق



آنها برخی را در بست پذیرفت، پاره‌ای را موقتاً پذیرفت تا اصلاح نماید و بالاخره برخی را انکار کرد و ...

دو؛ امروزه انکار یا نادیده گرفتن مدرنیته ممکن نیست زیرا از یکسو عملاً از فناوری‌هایی که محصول آن هستند بالاچار استفاده می‌کنیم پس باید مبانی فلسفی و معرفتی آنها را بشناسیم تا ضمن استفاده صحیح از این قبیل فناوری‌ها، به سمت خودکفایی در تولید آنها پیش برویم؛ و از سوی دیگر فناوری اطلاعات در این عصر به حدی رسیده که آموزه‌های فرهنگ غربی گاه به صورت گزینشی و حتی با رویکرد ضددینی به راحتی در ذهن و ضمیر ما قرار می‌گیرد پس باید اصول و مبانی آن را به خوبی بشناسیم تا ضمن شناخت تضادها و نقدهای درونی مدرنیته، هم راههای مقابله با آن را تشخیص دهیم و هم رویکردهای دینی آن را معرفی کنیم؛ و از سوی سوم، هر مقابله‌ای - اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی - مستلزم شناخت عمیق و واقعی از امکانات، توانائی‌ها و نقاط قوت و ضعف حریف است پس باید چنین معرفتی نسبت به غرب پیدا کنیم.

سه؛ از باب «تعرف الاشياء باضدادها» شناخت مدرنیته سبب می‌شود که شناخت عمیق‌تری نسبت به امکانات و ظرفیت‌های دین و فرهنگ خودمان پیدا کنیم، به عنوان نمونه علامه طباطبائی و استاد مطهری پس از شناخت عمیق و همه‌جانبه مارکسیسم و در مقام تقابل با آن توانستند از ظرفیت‌های بالای فلسفه اسلامی و به ویژه حکمت متعالیه بهره برده و آن را به جهانیان معرفی نمایند. بی‌شک اهتمام فراوان آن دو بزرگوار به مقولاتی چون معرفت‌شناسی، ادراکات اعتباری، حقوق انسان، اصالت فرد و جامعه، تاریخ مباحث فلسفی و ... تحت تأثیر شناخت کلی ایشان از مدرنیته و برخورد مستقیم آنها با مارکسیسم بوده است.

روش‌ها

در این مقاله از روش‌های زیر استفاده می‌شود:

- از روش تحلیل مفهومی برای ایضاح مفاهیمی چون مدرنیته، اومانیزم، سکولاریسم، پلورالیسم، علم حضوری، برهان، حرکت جوهری، و ...
- از روش انتقادی برای ارزیابی تعریف‌ها، استدلال‌ها و نقدهای موجود در هر دو مقاله



- از روش تحلیل منطقی فرارونده برای نشان دادن شرط لازم «خاتمیت»

یافته‌ها

پاسخ سؤال اول؛ اولاً به نحو پیشین می‌توان گفت که اعتقاد به خاتمیت مستلزم اعتقاد به ظرفیت اسلام برای مواجهه با هرگونه شرایطی (مانند مدرنیته) است و ثانیاً به نحو پسین می‌توان نشان داد که مواجهه دیالکتیکی دین با مدرنیته نه تنها سبب می‌شود که دینداران نقاط قوت و ضعف مدرنیته را بشناسند و ضمن بهره‌گیری از نقاط قوت، از نقاط ضعف آن بپرهیزند بلکه موجب می‌شود ظرفیت‌های جدید و بی‌سابقه در دین بازشناسی شود.

پاسخ سؤال دوم؛ با توجه به نکات ذیل می‌توان هر دو مقاله را ذیل رویکرد «د» طبقه‌بندی کرد.

- در مقاله «الگوی تباین»، مؤلف گرامی پس از توصیف و تحلیل الگوی تباین با تعالیم دینی در علوم تربیتی - که شامل مباحثی چون تبیین نحوه پیشرفت علوم بر مبنای ساختارهای مفهومی کلان (پارادایم‌ها)، الگوی تباین با تعالیم دینی و تسلط بر علوم تربیتی، برخی لوازم و پیامدهای الگوی تباین است - به بیان اهم مبانی فلسفی و کلامی مدرنیته از جمله اومانیسیم، اثبات‌گرایی، کثرت‌گرایی تبیینی، تحویل دین به امر غیرشناختی و سکولاریزم پرداخته و همه آن مبانی را به نحو کامل مورد نقد و طرد قرار می‌دهد.

- در مقاله «درآمدی به مبانی اسلامی روش تحقیق»، مؤلف محترم پس از ذکر مقدماتی چون ضرورت بررسی مبانی اسلامی روش تحقیق و رویکردهای معرفت‌شناختی مؤثر بر روش تحقیق، به بررسی نگرش اسلامی در باره دانش - شامل قلمرو، اعتبار ذاتی، مفهوم، تکوین، مراتب، وحدت با دانشمند و چرخه‌های اثباتی و توجیهی - می‌پردازد؛ و در نهایت برخی اصول روش‌شناسی - مانند گشودگی روش‌شناختی، بهره‌مندی از دانش معیار، تعمیم روش‌شناسی تفهومی از علوم اجتماعی به علوم طبیعی، ملاحظه ویژگی‌های محقق و شرایط تحقیق، تدوین سه‌سطحی روش تحقیق - را بر اساس مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلامی مورد تأکید قرار می‌دهد.

پاسخ سؤال سوم؛



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

- در مقاله «الگوی تباین» می‌توان به وجود پاره‌ای کاستی‌ها و رخنه‌ها، هم در مقام معرفی مبانی مدرنیته و هم در مقام نقد آنها اشاره کرد؛ عمده این رخنه‌ها عبارتند از: تعاریف نادرست، دیدن مدرنیته به مثابه یک کل، تلقی نقد مبانی به مثابه نقد نتیجه، نقدهای ضعیف و نقلی، معلوم نبودن آغاز و انتهای نقل قول‌ها

واژگان کلیدی: مدرنیته، الگوی تباین، حکمت متعالیه، مبانی اسلامی روش تحقیق

منابع

- 1- باقری، خسرو، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، 1389
- 2- صدر المتألهین، الحکمة المتعالیه، 1404
- 3- طباطبائی، محمد حسین و مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، 1362
- 4- مگی، برایان، فلاسفه بزرگ، ترجمه فولادوند، 1381
- 5- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین، نگاهی به نگرش‌های فلسفی سده بیستم، 1390
- 6- ویتگنشتاین، لودویگ، پژوهش‌های فلسفی، ترجمه فاطمی، 1385